

تأثیر بحران کرونا بر همبستگی اتحادیه اروپا

علی صباغیان^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۱

چکیده

با توجه به اینکه همبستگی روح فرآیند همگرایی اروپا در دوران بعد از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش است که بحران کرونا و ویروس سال ۲۰۲۰ چه تاثیری بر همبستگی اروپا داشته و ضعف یا فقدان این همبستگی چگونه فرایند همگرایی اروپا را تحت تاثیر قرار داده است؟ فرضیه این است که ضعف همبستگی اروپایی در مقابله با بحران کرونا موجب تشدید رویکردهای ملی‌گرایانه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا شده است و تشدید شکاف‌ها در اروپا و نیز بی‌توجهی به دستاوردهای فراملی، این اتحادیه در پی داشته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد مواردی همچون ناامید شدن شهروندان اروپایی از وجود همبستگی، تشدید گرایش به سمت سیاست‌های ملی‌گرایانه، تشدید شکاف‌های شمال و جنوب و مرکز-پیرامون در اروپا و خدشه‌دار کردن ایده اروپای بدون مرز از مهمترین تاثیرات بحران کرونا بر همبستگی اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا در واکنش به این بحران با استفاده از تجربیات بدست آمده از مدیریت بحران‌های قبلی، تقویت حکمرانی را مورد توجه قرار داده تا با توسل به آن بتواند تاب‌آوری خود را هر چند با هزینه سیاسی بالا افزایش دهد.

واژگان کلیدی: بحران کرونا، اتحادیه اروپا، همبستگی، همگرایی، اروپای بدون مرز

مقدمه

بحران کروناویروس که از اواخر سال ۲۰۱۹ در چین شروع شده بود به سرعت به سایر مناطق جهان سرایت کرد. قاره اروپا به سرعت به یکی از مراکز عمده شیوع این بیماری همه‌گیر تبدیل شد. در فاصله اندکی شمار کسانی که در کشورهای مهم اروپایی همچون ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، آلمان و انگلیس به بیماری کووید-۱۹ مبتلا شدند به شدت افزایش یافت. همچنین تعداد کسانی که در کشورهای اروپایی بر اثر ابتلا به این بیماری جان خود را از دست دادند نیز رکوردهای بزرگی در جهان را شامل می‌شود. اگرچه بحران کروناویروس در وهله اول به عنوان یک بحران بهداشتی تلقی می‌شد اما به زودی مشخص شد که این بحران یک بحران چندوجهی و گسترده است. در کنار بُعد بهداشتی بحران کرونا، به سرعت وجوه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این بحران آشکار شد و پرسش‌های زیادی را فراروی سیاستگذاران اروپایی قرار داد. بدترین تاثیر بیماری کووید-۱۹ این است که موجب می‌شود بدن یک فرد به خودش حمله کند. در موارد حاد؛ سیستم ایمنی بدن به جای مبارزه با عفونت، خودش را از بین می‌برد. این طوفان سیتوکین^۱ ممکن است به ورم شش‌ها و در نهایت به شکست سایر اندام‌های اصلی بدن منجر شود. بیماری کووید-۱۹ چنین تاثیر مشابهی بر نظام بین‌الملل دارد. این بیماری موجب شده که جامعه جهانی به جای همکاری با هم، شروع به حمله به خود کند. سازوکارهای طراحی شده برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی - مرزها و تجارت - شروع به کار علیه این همکاری کرده‌اند. در بدترین موارد، کشورها بر سر توزیع منصفانه بسیاری از کالاهای پزشکی که می‌توانست جان انسان‌های زیادی را نجات دهند، شروع به جنگ کردند. این طوفان سیتوکین^۲ ژئوپلیتیکی پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت. در نهایت یکی از تلفات آن اتحادیه اروپا خواهد بود (Feffer, 2020). بحران ایجاد شده توسط بیماری کووید-۱۹ نشان داد که همکاری اروپایی بویژه در عرصه سیاستگذاری‌هایی که از نظر قانونی صلاحیت انحصاری آن برای کمک به کشورهای عضو در اتحادیه قرار دارد چقدر با مشکل مواجه است. این مسئله تا جایی است که برخی تحلیلگران آن را به صدا در آمدن ناقوس مرگ این اتحادیه تلقی کرده‌اند و حتی خوش‌بینانه‌ترین ناظران آن را به عنوان

1. Cytokine Storm

۲. اصطلاح «سیتوکین» در واقع ترکیبی از دو واژه یونانی «Cyto» به معنی سلول و «Kinos» به معنای جنبش است.

یکی از بزرگترین چالش‌هایی که اتحادیه اروپا در طول حیات خود در زمینه مدیریت بحران و نشان دادن ارزش افزوده فراملی شاهد بوده، شناسایی کرده‌اند. در کل همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در واکنش‌های خود به این بحران نگاه به داخل داشته‌اند، آنها در نهایت مرزها را بستند و بر مدیریت بحران در داخل متمرکز شدند. این بحران نشان داد که همبستگی اروپایی تا حد زیادی غایب بوده است (Russack, 2020: 1). همبستگی اروپا در طول دهه گذشته در مباحث عمومی مورد توجه شدید قرار گرفته است. به دلیل بحران‌های مختلفی که طی این مدت اتحادیه اروپا را تحت تاثیر قرار داده، ایده همبستگی اروپایی تحت فشار قرار گرفته است. این امر در مورد بحران مالی و اقتصادی که از سال ۲۰۰۸ برخی از کشورهای اروپایی را به شدت تحت تاثیر قرار داد، صادق است (Lahuse & Grasso, 2018: 1). همبستگی از گذشته به عنوان یک عنصر کلیدی در زمینه انسجام اجتماعی، انگیزه‌های تشکیلاتی و مبنایی برای ارائه کالاهای جمعی تلقی شده است. در سال‌های اخیر، اروپا با مجموعه‌ای از بحران‌های مختلف مواجه بوده است که تهدیدها و فرصت‌هایی برای همبستگی در اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. این بحران‌ها بویژه از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ و بهم ریختگی مالی بعد از آن که موجب بحران‌های مالی در بسیاری از کشورهای اروپایی شد، حملات تروریستی و بحران مهاجران در سال ۲۰۱۵، تشکیلات و ثبات جوامع اروپایی را با چالش مواجه کرد و بی‌اعتمادی و ناامنی را در این جوامع دامن زد. وقوع این حوادث موجب شده که بسیاری موجودیت اروپای واحد را به عنوان یک پروژه اجتماعی و سیاسی و روحیه همبستگی که در معاهده ماستریخت در خصوص تشکیل اتحادیه اروپا خواستار آن شده بوده، مورد پرسش قرار دهند. بعلاوه افزایش بیکاری و فقر، سیاست‌های ریاضت‌طلبانه، بی‌توجهی به سیاست‌های ملی، و ظهور جنبش‌های ناسیونالیستی؛ پیوندهای اجتماعی درون و بین کشورهای اروپایی را با چالش مواجه کرده است. در نتیجه، شکاف‌های قدیمی و جدید اجتماعی آشکارتر شدند (Koos, 2019: 1-2). با توجه به اینکه همبستگی به نوعی روح فرایند همگرایی اروپا در دوران بعد از جنگ جهانی دوم محسوب شده است، این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش است که بحران کروناویروس سال ۲۰۲۰ چه تاثیری بر روند همبستگی اروپا برجا گذاشته و ضعف یا فقدان این همبستگی چگونه فرایند همگرایی اروپا را تحت تاثیر قرار داده است؟

مقاله بر مبنای این فرض به بررسی موضوع پرداخته که ضعف همبستگی اروپایی در مقابله با بحران کروناویروس موجب تشدید رویکردهای ملی‌گرایانه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در عرصه مدیریت بحران شده است و در نتیجه موجب تشدید شکاف‌ها در اروپا و نیز بی‌توجهی به دستاوردهای فراملی این اتحادیه شده است.

چارچوب نظری

همبستگی یکی از پدیده‌های کلیدی است که در علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگران جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و روانشناسی از چند دهه گذشته درباره اشکال و شرایط همگرایی و انسجام اجتماعی برای فهم بهتر بنیان‌های اجتماعی جوامع، پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند (Lahusen & Grasso, 2018: 4). همبستگی به انتظار هنجاری کمک متقابل در بین اعضای گروه‌های بزرگ بی‌نام (طبقه، حزب، ملت) اشاره دارد. اعضای گروه باید خطرات و سختی‌ها را به منظور تضمین اهداف و انسجام گروه به عنوان یک کل به اشتراک بگذارند: یکی برای همه، همه برای یکی، بدون اینکه کسی جا بماند. مزیت همبستگی این است که برای اعضای یک گروه تضمین‌هایی در مقابل ریسک‌های بد فراهم می‌کند. این امر به اعضای گروه اجازه قبول ریسک‌های بیشتر را می‌دهد و گروه را به عنوان یک کل به تعقیب اهداف بلندپروازانه‌تر برای دفاع بهتر از انسجامش تحت شرایط همبستگی قادر می‌سازد. با این وجود، همبستگی مضراتی نیز دارد. همبستگی پرهزینه است: اول اینکه همبستگی نیازمند آن است تا اعضای گروه بخشی از منابع فیزیکی، مالی، انسانی و سازمانی خود را به منظور بهبود رفاه یا کاهش رنج سایر اعضای گروه به آنها بدهند. همبستگی نیازمند به اشتراک گذاشتن در معنای واقعی مادی است. دوم همبستگی غیرمسطح است. همبستگی نیازمند انتقال منابع از اعضای برخوردار به اعضای کمتر برخوردار گروه است. انتقال منابع دست‌کم در کوتاه‌مدت بازی با حاصل جمع جبری صفر است. این انتقال از ریسک‌های خوب به ریسک‌های بد، از دهندگان به گیرندگان، از کمک‌کنندگان خالص به بهره‌برداران خالص بدون هرگونه جبران فوری است. سوم، همبستگی مخاطرات اخلاقی بیار می‌آورد. همبستگی بازیگران را از نیاز به خودمراقبتی در برابر ریسک‌های بد غافل می‌کند. این امر ممکن است به ایجاد بی‌دقتی یا حتی به رفتار استثماری یا فریبکارانه بینجامد که باعث

گسترش ریسک‌های بد غیر ضروری مثلاً ریسک‌هایی که می‌توان از طریق خودمراقبتی مناسب مانع آنها شد، بشود و در نتیجه هزینه‌های همبستگی را بیش از حد افزایش دهد (Genschel & Hemerijck, 2018: 2-3). تحقق همبستگی در سطوح مختلف امکان‌پذیر است. یک سطح از همبستگی سطح فردی است که در آن همبستگی یک فرد با دیگران بر اساس انگیزه‌های فردی انجام می‌شود. از نظر آندریاس ویلدت^۱ فیلسوف اجتماعی آلمان، یک عمل زمانی به عنوان یک عمل همبستگی قابل شناسایی است که عامل آن دارای این ویژگی‌ها باشد: ۱- با دریافت‌کننده کمک، احساس همدردی و تعلق به یکدیگر داشته باشند؛ ۲- تا حدودی تحت تاثیر انگیزه‌های نوع دوستی قرار داشته باشد؛ ۳- عمل انجام شده به عنوان یک کمک در زمان محنت و تنگدستی تلقی شود؛ ۴- محنت و تنگدستی به عنوان یک مسئله اخلاقی، عدالت و یک منبع تعهد اخلاقی در نظر گرفته شود؛ ۵- خودش را ملزم به کمک بداند؛ ۶- بر این باور نباشد که دریافت‌کننده کمک از حق قانونی یا اخلاقی برای درخواست و دریافت از او به طور مشخص برخوردار است، ۷- تصور کند که دریافت‌کننده کمک محنت را مثل او ارزیابی می‌کند؛ ۸- تصور کند که دریافت‌کننده کمک با دریافت کمک محنتش را کم خواهد کرد و او فعالانه در این جهت تلاش می‌کند و ۹- تصور کند که دست کم امکان ایجاد شرایط مشابهی که دریافت‌کننده کمک در آن قرار گرفته برای او هم وجود دارد (Laitinen & Pessi, 2014: 6). بر مبنای همبستگی فردی، یک فرد ممکن است با خانواده خود، همسایه خود، منطقه و ملت خود احساس همبستگی کند. این نوع همبستگی در رقابت با یک حس همبستگی با اروپا و بشر به طور کلی قرار ندارد. در این مورد همبستگی‌های ملی و اروپایی بخشی از یک مفهوم جهانشمول یا جهان‌وطنی از همبستگی خواهد بود (Lahusen & Grasso, 2018: 5). این نوع از همبستگی در بحث این مقاله چندانی موضوعیتی ندارد. نوعی دیگر از همبستگی، همبستگی اجتماعی است. همبستگی اجتماعی یک ابزار وابستگی متقابل بین افراد در یک گروه است که اولاً به صورت توصیفی و ثانیاً به صورت هنجاری با انسجام گروه مرتبط است. اما این تعبیر ساده در بردارنده ساختار پیچیده‌تری است که مستلزم درجه‌ای از آگاهی عمومی، تجربه مشترک و یا برخی ویژگی‌های وحدت‌بخش بین گروه می‌باشد (Scholz, 2008: 21). همبستگی اجتماعی افراد را به عنوان اعضای قبایل، جوامع یا گروه‌ها بر

مبنای خصایص، تجارب، تاریخ یا مکان‌های مشترک درک می‌کند. در اینجا گروه، نقش نسبتاً بزرگی در شکل‌گیری دیدگاه افراد، جهان یا مکان او دارد. در این نوع همبستگی، هستی‌شناختی عضویت در گروه بر هویت فردی اولویت دارد (Scholz, 2008: 41). بنابراین همبستگی اجتماعی یک رابطه اجتماعی است که در بردارنده برخی تعهدات الزام‌آور می‌باشد. البته این تعهدات از تعهدات همبستگی سیاسی متفاوت است. همبستگی سیاسی به عنوان سطح دیگری از همبستگی، نقطه تاکید همبستگی را تغییر می‌دهد. در همبستگی سیاسی به جای بنا کردن همبستگی بر مفاهیم متغیر وابستگی و کنترل گروه و وجدان فردی، بر مفاهیم تعهد و مسئولیت گروهی و عمل جمعی تاکید می‌شود (Scholz, 2008: 33). همبستگی سیاسی به سازوکارهای نهادی جدید که همکاری را تقویت می‌کند اشاره دارد. همبستگی سیاسی در مورد اتحادیه اروپا به طور خاص به همبستگی بین کشورهای عضو این اتحادیه مربوط است (Wallaschek, 2019). در این چارچوب، مفاهیم دو طرفه بودن^۱ مسئولیت‌پذیری^۲ و شناسایی منافع مشترک، مبنای روابط میان جوامع مختلف خواهد بود. مولفه‌های سه نوع همبستگی فردی، اجتماعی و سیاسی که البته ممکن است برخی همپوشانی‌هایی در آنها وجود داشته باشد را می‌تواند به صورت شکل شماره ۱ ترسیم کرد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Mutuality
2. Accountability



منبع: مولف

اگر اروپایی‌ها مایل هستند تا خود را به عنوان دارنده هویت مشترک به عنوان اعضای یک اجتماع دارای سرنوشت و ارزش‌های مشترک تلقی کنند، آنها باید واکنش‌های خودانگیزانه‌تری از همبستگی را به اشتراک بگذارند و قادر باشند تا این اجتماع را به عنوان یک کل نجات دهند. این امر با توجه به برتری یافتن وفاداری به نظام‌های سیاسی ملی در درون یک اتحادیه که تا حد زیادی شبیه یک نظام فدرال است صادق نیست. واقعیت سیاسی

مؤید وجود "همبستگی ارگانیک"^۱ بین کشورها و شهروندان اروپایی نیست: چنین همبستگی کمتر غیرارادی است و از وابستگی متقابل اقتصادی و انسانی ایجاد شده بین کشورهای عضو و تعهدات دیپلماتیک آنها نشأت می‌گیرد. لذا همبستگی اروپایی بیشتر کارکردی تا احساسی است و محصول یک فرایند سیاسی رو به جلو می‌باشد و ابزارهای مختلفی ایجاد کرده که بیشتر ارزش‌های آن بزرگنمایی شده تا محدودیت‌های نظام‌مند رقت‌آور آن (Bertoncini, 2020: 2). با توجه به مدل ارائه شده در بالا مشخص می‌شود که وقتی در سطح اروپایی و به طور مشخص سطح اتحادیه اروپا از همبستگی سخن گفته می‌شود، همبستگی فردی موضوعیتی ندارد. همچنین اگرچه در روند همگرایی اروپا تلاش‌هایی صورت گرفته که به نوعی مفهوم همبستگی اجتماعی وارد روند همگرایی اروپا شود اما در این زمینه تاکنون پیشرفت‌های خوبی حاصل نشده است. لذا تنها سطح از همبستگی که در اتحادیه اروپا و بین کشورهای عضو موضوعیت دارد همبستگی سیاسی مبتنی بر منطبق خود-منفعتی است.

ارتباط همبستگی با همگرایی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم

کل سیستم حقوقی اتحادیه اروپا از اولین روزهای شروع از اصل همبستگی الهام گرفته است. می‌توان گفت که همبستگی یکی از مهمترین ایده‌های الهام‌بخش ورای حرکت همگرایی اروپایی از زمان شروع آن در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بوده است. برخی از مفاد حقوق اولیه اتحادیه اروپا به طور مستقیم به این اصل اشاره دارد. طبق مفاد بند ششم مقدمه معاهده اتحادیه اروپا،^۲ کشورهای عضو تمایل خود را "برای تعمیق همبستگی بین مردمانشان در عین احترام به تاریخ، فرهنگ و سنت‌های آنها" اعلام می‌کنند. طبق ماده ۲ معاهده اتحادیه اروپا، همبستگی یک ارزش بنیادی اتحادیه اروپاست. طبق بند ۳ ماده ۳ این معاهده، هدف اتحادیه اروپا تقویت انسجام اقتصادی، اجتماعی و سرزمینی و همبستگی بین کشورهای عضو است. هشت مورد دیگر از مفاد معاهده اتحادیه اروپا و نیز معاهده کارکرد اتحادیه اروپا^۳ صراحتاً به این اصل اشاره دارند و بسیاری از مفاد نیز به طور غیرمستقیم به موضوع همبستگی پرداخته‌اند (Hilpold, 2015: 258). با توجه به اینکه همبستگی اروپایی

1. Organic Solidarity

2. The European Treaty (TEU)

3. The Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU)

فطری نیست و نتیجه یک فرایند سیاسی است، شناسایی بنیان‌های آن به یک شجره‌نامه‌ای متشکل از مراحل مختلفی که شکل‌گیری آن را مسیر کرده، خواهد انجامید. این بررسی تاریخی نشان می‌دهد که "بازار داخلی"^۱ مهمترین ماتریسی است که در چارچوب آن ابتدا همبستگی اروپایی شکل گرفته و سپس با شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی و پولی ادامه یافته است. این بررسی همچنین به شناسایی مدیریت بحران به عنوان یک ماتریس دیگری که به منابع شکل می‌دهند به همبستگی اروپایی مشروعیت می‌دهد - البته بر مبنای پایه‌های سیاسی و حقوقی شکننده‌تر - منجر می‌شود (Bertoncini, 2020: 2). همبستگی با کاپیتالیزم بازار اجتماعی اروپا همراه است و عمدتاً به عنوان یک جنبه ضروری همگرایی اروپا تلقی می‌شود. همبستگی به طور عادی در اسناد اتحادیه اروپا به عنوان محور همگرایی ذکر شده و به طور موجد به عنوان یک عنصر اساسی برای حل بحران اروپا معرفی شده است. با توجه به اشاره بر تعداد اسناد اتحادیه اروپا به همبستگی، می‌توان آن را به عنوان یک سنگ بنای همگرایی اروپایی تلقی کرد. اشاره به همبستگی در اسناد اتحادیه اروپا زیاد و متنوع است. اولین ماده پیمان لیسبون^۲ همبستگی را به عنوان یکی از "ارزش‌های مشترک" اتحادیه اروپا ذکر می‌کند. در سایر بخش‌های این معاهده "همبستگی متقابل"^۳ و تقسیم منصفانه مسئولیت‌ها به عنوان اصول حاکم بر روابط میان کشورهای عضو در عرصه‌های سیاست‌های خارجی و امنیتی و آزادی، امنیت و عدالت مطرح شده است. "اصل دفاع متقابل"^۴ در بند ۷ ماده ۴۲ معاهده اتحادیه اروپا^۵ از دولت‌های عضو می‌خواهد در مورد تهاجم نظامی همکاری کنند و "اصل همبستگی" گنجانده شده در ماده ۲۲۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا^۶ نوعی درخواست صریح از دولت‌های عضو برای کمک به همدیگر در حوادث حملات تروریستی، حوادث طبیعی و حوادث ساخته دست بشر را تنظیم کرده است (Gerrits, 2015: 1). بعد دوم همبستگی در اروپا با روابط میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا مرتبط است. اندیشکده نوتر اروپا^۷ مستقر در پاریس بین دو منطق پیشران همبستگی در سطح کلی اروپا تفاوت قائل شده است. یکی بر

1. Internal Market
2. Of the Treaty of Lisbon
3. Mutual Solidarity
4. Mutual Defence Clause
5. The Treaty on European Union
6. The Treaty on the Functioning of the European Union
7. Notre Europe

مبنای عمل متقابل^۱ مبتنی است و دیگری از خود - منفعتی روشنفکرانه^۲ الهام می‌گیرد. همبستگی مبتنی بر عمل متقابل، شبیه یک سیاست بیمه مشترک است. این نوع همبستگی نوعی عمل مشترک تقسیم خطرات است. خود-منفعتی روشنفکرانه یک نوع پیشران پیچیده‌تر همبستگی است، نیازمند نوعی پیش‌بینی سیاسی قابل ملاحظه است چرا که کلا بر مبنای تمایز بلندمدت‌تر بین منافع و جاه‌طلبی‌های ملی و اروپایی استوار است. در اروپای امروز، همبستگی بنا شده بر خودمنفعتی عمدتاً در شکل بازتوزیع یا کمک مالی ظاهر می‌شود. این منطق در ورای انگیزه‌های شکل‌گیری سیاست‌های مشترک کشاورزی اتحادیه اروپا^۳، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و اخیراً ابزارهای مقابله با بحران همچون مکانیسم ثبات اروپایی^۴ قرار دارد. مفهوم بازتوزیع دقیق است چرا که در نهایت انتظار می‌رود تاثیر مثبت بر کشورهای کمک‌کننده از طریق سرمایه‌گذاری، تجارت، فرصت‌های بازاری و در مورد مکانیسم ثبات اروپایی به عنوان ابزاری برای نجات یورو عمل کند (Gerrits, 2015: 3).

همبستگی در اتحادیه اروپا در اشکال مختلف نمود یافته که هر کدام دارای اهداف و ابزارهای خاصی هستند. جزئیات این امر در جدول شماره ۱ بیان شده است.

جدول شماره ۱: مهمترین ابزارهای همبستگی اروپایی در بهار ۲۰۲۰

نوع همبستگی	اهداف	ابزارها
همبستگی بودجه‌ای	همبستگی سرزمینی	صندوق توسعه منطقه‌ای اروپا صندوق کشاورزی اروپا برای توسعه روستایی
	کمک به کشاورزان و ماهیگیران	صندوق ضمانت کشاورزی
	کمک به افراد دارای مشکل	صندوق امور دریایی و شیلات
	همکاری پلیسی و قضایی	صندوق اجتماعی اروپا صندوق اروپا برای تعدیل جهانی شدن صندوق اروپایی برای کمک به محرومین
	مدیریت و پذیرش مهاجران	صندوق امنیت داخلی پلیس اروپایی

1. Reciprocity
2. Enlightened Self-interest.
3. EU Common Agricultural Policies
4. European Stability Mechanism

آژانس اتحادیه اروپا برای همکاری در موضوعات جنایی سپاه اروپایی برای حفاظت از مرزها (فرانتکس سابق) تیم‌های مداخله سریع		
وام‌های با هدف اقتصاد کلان (تراز پرداخت‌ها): تسهیلات حمایت از تراز پرداخت‌ها، تسهیلات ثبات مالی اروپا، مکانیسم ثبات مالی اروپا، مکانیسم ثبات اروپایی، ابزار اروپایی کاهش خطرات بیکاری در وضعیت اضطراری	وام‌ها، ضمانت‌ها، خرید بدهی‌های کشورهای عضو	همبستگی مالی
وام‌های اقتصاد کلان: بانک سرمایه‌گذاری اروپا، صندوق سرمایه‌گذاری اروپا		
برنامه تبادلات پولی بلافاصله، برنامه خرید اوراق قرضه و سایر دارایی‌ها در قبال پرداخت پول، صندوق بازنشستگی شخصی پان اروپایی		
عوارض گمرکی	ترجیح جامعه	همبستگی اقتصادی
مکانیسم جریان معکوس	قاعده همبستگی انرژی	
ساز و کار حفاظت مدنی، سپاه همبستگی اروپایی	پیشگیری و مدیریت حوادث طبیعی	همبستگی در خصوص حوادث طبیعی و حملات تروریستی
قانون مرزی شنگن، آژانس اتحادیه اروپا برای همکاری در موضوعات جنایی، مرکز اطلاعات و موقعیت اتحادیه اروپا، همکاری‌های دوجانبه	پاسخ به حمله تروریستی یا تهاجم نظامی	

Source: Yves Bertoncini, April 2020

با وجود دسته‌بندی‌هایی که از انواع همبستگی‌های ممکن در اروپا انجام می‌شود معیارهایی نیز برای سنجش وجود، تقویت و یا تضعیف همبستگی نیز ارائه می‌شود. یورگن گرهارد^۱ و همکارانش در پیمایشی که سال ۲۰۱۶ در خصوص میزان قوی بودن همبستگی در

1. Jürgen Gerhards

اروپا^۱ در ۱۳ کشور از کشورهای عضو اتحادیه اروپا انجام داده‌اند، در بررسی وضعیت همبستگی اروپایی در پرتو بحران‌های یک دهه اخیر بین چهار نوع همبستگی اروپایی شامل: ۱- همبستگی مالی، ۲- همبستگی دولت رفاه، ۳- همبستگی سرزمینی و ۴- همبستگی پناهندگی تفاوت قائل شده‌اند. آنها در این بررسی چهار معیار را برای سنجش میزان قوی بودن همبستگی در اتحادیه اروپا معرفی کرده‌اند و تصریح نموده‌اند زمانی همبستگی اروپایی وجود دارد که این معیارها تحقق یابند: ۱- اکثریت همه اروپایی‌ها و یک اکثریت در هر یک از کشورهایی اروپایی از ایده همبستگی اروپایی حمایت کند، ۲- اروپا یک فضای همبستگی متمایز از فضای همبستگی جهانی و فضای همبستگی ملی تشکیل دهد، ۳- شهروندان اروپایی آماده قربانی کردن منافع در دفاع از همبستگی اروپایی باشند و ۴- شکاف‌های اجتماعی و سیاسی بین طرفداران و مخالفان همبستگی اروپایی به طور رسمی اعلام نشود (Gerhards et al, 2018: 29). اکنون که تا حدودی مفهوم همبستگی اروپایی و انواع و ابزارهای تحقق و نیز معیارهای کمک کننده به سنجش آن روشن شد در بخش بعدی مقاله همبستگی اروپا در بحران کرونا و ویروس مورد آزمون قرار می‌گیرد.

همبستگی اروپا در آزمون بحران کرونا و ویروس

بحران کرونا و ویروس از چند جهت همبستگی اروپا را تحت تاثیر قرار داد که ناامید کردن شهروندان کشورهای مختلف از کمک اتحادیه اروپا به آنها در این بحران و تضعیف دیدگاه همگرایی در نزد آنها، تشدید دیدگاه‌های سیاسی ضد اروپایی، خدشه‌دار کردن ایده اروپای بدون مرز و ابزار شنگن و تضعیف همبستگی در خصوص حوادث طبیعی و بروز اختلاف بین کشورها عضو اتحادیه اروپا بر سر منابع و کمک‌های مالی و تضعیف همبستگی مالی از جمله آنهاست.

ناامید کردن شهروندان اروپایی از وجود همبستگی

هدف ایده همبستگی اروپایی از ابتدا متحد کردن شهروندان اروپایی در قالب اروپای

متحد بوده است. بر این اساس همبستگی بین کشورها و شهروندان آنها سنگ بنای اروپای متحد است. این چند کلمه را می‌توان در جمله اول معاهده رم و در ماده اول معاهده اتحادیه اروپا (معاهده ماستریخت) که می‌گوید: «دولت‌ها درگیر فرایند ایجاد یک اتحادیه هر چه نزدیک‌تر بین مردمان اروپا شده‌اند» پیدا کرد. همبستگی از طریق ساز و کارهای تصمیم‌گیری، همگرایی اقتصادی، مبادلات بودجه‌ای، کمک مالی، برنامه‌های خاص و مفاد همبستگی اضافه شده توسط معاهده لیسبون (حوادث طبیعی، تروریسم) بیان می‌شود. همبستگی یک درخواست سیاسی است که بر مبنای ایده همکاری اروپایی و کمک متقابل ساخته می‌شود. هدف این است که کمک‌های متقابل بویژه در زمان‌هایی که بحران، یک کشور عضو را فرا می‌گیرد و امکان تاثیرگذاری بر همه آنها وجود دارد، فعال شود. همه شرایط برای اعلام این همبستگی به روشن‌ترین وجه ممکن در بحران کرونا وجود داشت. با این وجود، در بحران کووید-۱۹ افکار عمومی افزودن شرایط جدید به معاهدات، منابع ملی یا سخنرانی انتظار نداشتند، بلکه آنها منتظر هواپیمایی بودند که برای افراد مریض پزشک و ماسک بیاورند (Brehon, 2020: 7). تفاوت دیدگاه شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه انتظاری که از این اتحادیه در کمک به آنها در بحران کرونا ویرس داشتند تا حدودی ناشی از برداشت و انتظاری که آنها از همبستگی اروپایی داشتند و نیز تصویری که از اتحادیه اروپا و پیامدهای مشترک آن در ذهن داشتند ناشی می‌شود. در پیمایش که در این زمینه انجام شده است چهار استعاره در این زمینه مطرح شده است: ۱- اتحادیه اروپا به عنوان "خانه مشترک" همه شهروندان اروپایی. این پر تقاضاترین تصویر بوده است که با پیوندهای محکم همراه است که جوامع سیاسی و تعهدات مشترک آنها را پایه‌گذاری می‌کند؛ ۲- اتحادیه اروپا به عنوان یک "مجتمع آپارتمانی" که مردمان ملی با تنوع‌های مشروع در درون آن در کنار هم زندگی می‌کنند. این استعاره شبیه مفهوم "جامعه همسایگی" ویر است که نوعا محرک اعضای آن ترکیبی از عمل متقابل و اندکی خیرخواهی و نوع پرستی می‌باشد؛ ۳- زمین بازی^۴ (مشترک) که بستر مناسب برای مبادلات اقتصادی سودمند در چارچوب یک اتحادیه

1. Common Home
2. Apartment Building
3. Neighbourhood Community
4. Playground

حقوقی/ بازاری فراهم می‌کند. این تصویر کم‌تقاضاترین از منظر تمایلات همبستگی‌گرایانه بوده است. آنچه در برداشت از این نوع همبستگی مطرح است رویه‌های عادلانه و تطابق با حاکمیت قانون است و ۴- یک "کشتی در حال غرق شدن"^۱ که کشورهای عضو هر چه سریع‌تر قصد فرار از آن را دارند. این همان دیدگاه شک‌گرایانه مخالف همگرایی اروپاست. از کل مجموعه‌ای که مورد نظرسنجی قرار گرفته‌اند (یعنی کشورهای اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، لهستان، سوئد و انگلیس) مرجح‌ترین تصویر ساختمان آپارتمانی (۳۰.۱ درصد) بعد از آن زمین بازی (۲۶ درصد)، خانه مشترک (۲۳.۸ درصد) و در نهایت کشتی در حال غرق شدن (۲۰.۳ درصد) بوده است (Ferrera & Burelli, 2019: 14). بر اساس نظرسنجی‌هایی که انجام شده است بسیاری از ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌ها احساس می‌کنند که نه بروکسل و نه شرکای آنها در اتحادیه اروپا در بحران کرونا کمک لازم را به آنها ارائه نکرده‌اند. نتیجه نظرسنجی‌ها روشن است: بیش از ۶۰ درصد از کسانی که در نظرسنجی در ایتالیا شرکت کرده‌اند گفته‌اند اروپا کمک نمی‌کند. از نظر آنها با سخت‌تر شدن شرایط، هیچگونه ارزش افزوده‌ای در اتحادیه اروپا وجود ندارد. تاثیر منفی این امر به حدی بوده که پس از بحران کرونا یک گروه فیسبوکی جدید در ایتالیا با هشتگ "اتحادیه اروپا را متوقف کنید- ایتالگزیست"^۲ سرعت بیش از ۹۰۰ هزار نفر را جذب کرد و دنبال کنندگان آن همچنان در حال افزایش است. اروپا نمی‌تواند این تعداد زیاد شهروندان بیگانه شده با اتحادیه را تحمل کند (Ischinger, 2020).

بحران کرونا و تشدید گرایش به سمت سیاست‌های ملی

بحران کرونا و ویروس نشان داد که اشکال مسلط همگرایی منطقه‌ای و جهانی ملت‌ها؛ صنایع، شرکت‌ها و افراد، درجه بالایی از آسیب‌پذیری و ریسک شکست را ایجاد کرده است. بر این اساس این بحران، بومی‌گرایی، ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی را تشدید می‌کند که در جهت مخالف همبستگی اتحادیه اروپاست. این بحران همچنین یک آزمون قوی برای فعالیت‌های همگرایی سیاسی- اقتصادی در اتحادیه اروپا است. نشانه‌های اولیه از آثار این بحران در خصوص تشدید گرایش‌های واگرایانه بدشگون به نظر می‌رسد. بسیاری از

1. Sinking Ship
2. "#StopEU-Italexit"

کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای مقابله با گسترش بحران کرونا و مدیریت بهتر این بحران؛ اقدامات بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی ملی و جدای از برنامه‌های ارائه شده از سوی اتحادیه به اجرا گذاشتند. درحالی که بسیاری رهبران اتحادیه اروپا به طور رسمی از ارزش‌ها و همبستگی اروپایی حمایت می‌کنند، واکنش سریع آنها به بحران نشان داد که آنها به شدت رویکرد ملی دارند. بنابراین وقتی ایتالیا در مارس ۲۰۲۰ در چارچوب ساز و کار مدیریت بحران اتحادیه اروپا خواستار تجهیزات و کالاهای پزشکی شد، هیچکدام از کشورهای عضو اتحادیه اروپا پاسخ مثبت به این درخواست ندادند. همچنین زمانی که ایتالیا خواستار کمک مالی از اتحادیه اروپا شد، بانک مرکزی اروپا این درخواست را بی‌جواب گذاشت. علاوه بر این تعدادی از کشورها همچون آلمان و فرانسه عرضه لوازم بهداشتی لازم برای پیشگیری از بیماری کووید-۱۹ را به سایر کشورها متوقف کردند. یا کشورهای همچون آلمان و جمهوری چک قوانینی درباره ذخیره‌سازی لوازم پزشکی بدون کمترین توجه به همسایگان یا سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تصویب کردند. این نشان دهنده گرایشی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به عنوان اعضای بهره‌مند از آن در دورانی که اقتصاد در وضع عادی است، در زمان بحران به سیاست‌های معطوف به منافع ملی خودشان بازمی‌گردند. عقب‌نشینی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از فرصت‌های ایجاد شده همبستگی بین آنها، فرصت را برای سایر کشورهای جهان فراهم می‌کند تا از قدرت نرم خود استفاده کنند. بنابراین مشاهده می‌شود که همزمان با بی‌توجهی اتحادیه اروپا به درخواست‌های ایتالیا، کشورهای چین، روسیه و کوبا پزشک و لوازم بهداشتی به ایتالیا می‌فرستند (Karabag, 2020: 2). این بحران به جای اینکه به همگرایی و همبستگی بیشتر اروپایی و نزدیکی بیشتر بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا منجر شود، هر یک از کشورهای عضو را به زیان نهادهای اتحادیه اروپا تقویت کرده است. تا حد زیادی هر یک از آنها سیاست‌های خارجی، اقتصادی و اجتماعی خود را در بحران دنبال کرده‌اند (Dempsey, 2020). این وضعیت نشان می‌دهد فرایند همگرایی که طی ۶۰ سال حیات خود تلاش فراوانی کرده تا از طریق ایجاد سیاست‌های مشترک همچون سیاست مشترک تجاری، سیاست مشترک کشاورزی، سیاست مشترک پولی، سیاست مشترک خارجی و امنیتی و ... روحیه

همبستگی اروپایی را به عنوان جوهر و چسب این فرایند تقویت کند در مقابله با یک بحران همچون بحران کرونا آسیب پذیر است.

بحران کرونا و فراهم نمودن تقویت دیدگاه‌های ضدهمگرایی

بحران‌هایی که اتحادیه اروپا طی یک دهه گذشته پشت سر گذاشته بر شکاف سیاسی تاثیر گذاشته و از این طریق بر همبستگی اروپا اثر منفی بر جای گذاشته است. در انتخابات سال‌های اخیر، احزاب ضدهمگرایی در برخی از کشورهای عضو یا بر سر کار آمده‌اند و یا جایگاه‌شان در عرصه سیاسی و اجتماعی تقویت شده است. این نشانه آن است که در بین شهروندان کشورهای عضو حس همبستگی اروپایی تضعیف شده است. بعلاوه بحران کرونا بسترهای جدید فراروی احزاب پوپولیست مخالف همگرایی اروپا قرار داده است. کروناویروس اکنون چشم‌انداز سیاسی اروپا را تغییر می‌دهد. در نتیجه بسیاری از احزاب و رهبران پوپولیست کنونی دچار مشکل خواهند شد. اما آنطوری که نمونه ایتالیا نشان می‌دهد تصور اینکه آنچه بر اثر بحران جایگزین پوپولیست‌ها شود، به نفع لیبرال دمکراسی خواهد بود، غیرمنطقی است. پوپولیست‌های جدید برای اینکه از نظر سیاسی زنده بمانند خود را با تحولات شرایط پسا کرونا تطبیق خواهند داد و نوع جدیدی از پوپولیسم آغاز خواهد شد. لشکر جدید پوپولیست‌ها از چالش‌های اقتصادی که این بیماری همه‌گیر برجا خواهد گذاشت، بهره خواهند برد. تحقیقات نشان داده است که بیکاری و ناامنی اقتصادی ناشی از بحران، ارتباط مستقیم با رای دادن به پوپولیست‌ها دارد. همچنین افزایش بی‌عدالتی ناشی از بحران کرونا که مثلاً از تاثیر بحران کرونا بر کارگران با درآمد پایین ایجاد می‌شود نیز شکاف دیگری ایجاد می‌کند که پوپولیست‌های جدید می‌توانند از آنها بهره‌برداری نمایند. روندهای در حال ظهور در دمکراسی‌های اروپا نشان می‌دهد که پوپولیست‌های آینده، بیشتر دارای ویژگی‌های ملی‌گرایانه یا اقتدارگرایانه خواهند بود. به موازات فرسایش منابع سنتی حمایت از پوپولیسم، نسل آینده پوپولیست‌های اروپا در پی استفاده از ناسیونالیسم رو به رشدی که بحران کرونا ایجاد کرده است، خواهند بود. اگرچه برخی رهبران اروپایی در خصوص ناسیونالیسم کرونا ویروس هشدار داده‌اند اما این بیماری همه‌گیر شکاف‌هایی در اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند (Taylor & Nietzsche, 2020). علاوه بر این، احزاب راست افراطی حاکم در کشورهای عضو

اتحادیه اروپا از شروع بحران کرونا و ویروس از آن به عنوان فرصتی برای پیشبرد اقدامات اقتدارگرایانه بیشتر استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه ویکتور اوربان^۱ نخست وزیر مجارستان در چارچوب مقابله با بحران کرونا قوانینی تصویب کرده که به طور چشمگیری قدرت و اختیارات فوق‌العاده او را بدون اینکه پایانی برای آن مشخص شده باشد، افزایش می‌دهد. همچنین حزب حاکم قانون و عدالت در لهستان روند انتخابات ریاست جمهوری ماه مه را به‌رغم این واقعیت که قرنطیه ایجاد شده از سوی او به طور موثر مانع از ایجاد یک مبارزه انتخاباتی موثر می‌شود را دنبال می‌کند (Schultheis, 2020).

بحران کرونا و تشدید شکاف شمال و جنوب در اروپا

همبستگی مالی در اتحادیه اروپا یکی از مهمترین پایه‌های همبستگی اروپایی است که در شکل اتحادیه اقتصادی و پولی ظهور کرده است. معیارهای موسوم به معیارهای ماستریخت، شرایط و ویژگی‌های عضویت در اتحادیه پولی را که امروزه در منطقه یورو تبلور پیدا کرده، مشخص نموده است. با این وجود، بحران‌های اقتصادی و بدهی‌ها در اواخر دهه اول و اوایل دهه دوم قرن بیست و یکم، این همبستگی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. وقتی یک دهه قبل اتحادیه اروپا در عمق بحران بدهی‌های حاکمیتی قرار گرفته بود، برخی از کشورهای عضو خواستار انتشار اوراق قرضه^۲ یورو شدند. انتشار این اوراق به عنوان یک ابزار مشترک کنترل بدهی در کل منطقه یورو، دسترسی به اعتبارات ارزان برای همه کشورهای عضو منطقه یورو بویژه آن دسته از کشورهایی که بیشتر از دیگران درگیر بحران مالی شده بودند را فراهم می‌کرد. کشورهای بدهکارتر همچون یونان و ایتالیا از این ایده حمایت می‌کردند. در مقابل آلمان و هلند درخصوص یارانه دادن به آنچه آنها رفتار غلط اقتصادی می‌نامیدند، نگران بودند و با این ایده به مخالفت پرداختند (Ischinger, 2020). این وضعیت در دوران بحران کرونا بیشتر از قبل مطرح شد. وقتی از وجود فضای همبستگی اروپا به عنوان فضایی متمایز از همبستگی ملی یا جهانی سخن گفته می‌شود معنای آن نبود اختلاف و شکاف در این فضا است. روند تحولات یک دهه گذشته نشان می‌دهد که بحران‌های مختلفی که در این دوران، اروپا را فراگرفته است از جمله

1. Viktor Orban
2. Euro Bonds

بحران کروناویروس، موجب سرباز کردن برخی شکاف‌های قدیمی و یا ایجاد شکاف‌های جدید در اروپا شده؛ به طوری که هر کدام از آنها به نوعی همبستگی اروپایی را تحت الشعاع قرار داده و روند همگرایی اروپایی را مورد پرسش قرار داده است. از سال‌های اولیه قرن بیست و یکم با الحاق ۱۲ کشور جدید به اتحادیه اروپا بین سال‌های ۲۰۰۴ (۱۰ کشور) و ۲۰۰۷ (۲ کشور) این اتحادیه با افزایش شدید تفاوت‌ها در سطح رفاهی و اقتصادی مواجه شد. از آنجا که عمده این کشورها در اروپای مرکزی و شرقی قرار داشتند نوعی شکاف اقتصادی جایگزین شکاف ایدئولوژیکی که در دوران جنگ سرد بین شرق و غرب اروپا وجود داشت، شد. با این وجود، وقتی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در جنوب این قاره از سال ۲۰۰۸ به بعد درگیر بحران اقتصادی شدند یک شکاف جدید در اروپا ایجاد شد. بحران اقتصادی موجب شد که کشورهای پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، یونان و قبرس نتواند جایگاه اقتصادی که قبل از ۲۰۰۸ در ساختار اقتصاد اروپا داشته‌اند را بدست آورند. شکل‌گیری شکاف شمال و جنوب از دهه گذشته یکی از بزرگترین چالش‌های فراروی اتحادیه اروپا بوده است (Gerhards et al, 2018: 20). در حال حاضر نیز بحران کروناویروس بار دیگر موجب تشدید اختلاف بین کشورهای جنوب که عمدتاً درگیر بحران بودند و کشورهای ثروتمند شمال شد. کشورهای شمال اروپا که عضو منطقه یورو هستند با وجود اصرار آنها برای هزینه کردن عاقلانه پول بازپرداخت بدهی‌هایشان، به کشورهای جنوبی بی‌اعتماد هستند. همین سکوت بر واکنش آهسته آنها به بحران مالی ۲۰۰۸ حاکم بود. وقتی یکی از اعضای اتحادیه دچار مشکل می‌شوند آنطوری که یونان یا ایتالیا در بحران مهاجران از سال ۲۰۱۵ در دریای مدیترانه دچار مشکل شدند، اتحادیه سکوت کرده و روی خود را به آن طرف می‌کند تا بلکه بحران خودش برطرف شود (Jenkins, 2020). این موضوع به نحوی دیگری در یک دهه گذشته در روابط بین کشورهای اروپایی ظهور کرده و به طوری که حوزه *ام‌ماگونه*^۱ و همکاری‌ها از آن به عنوان روابط مرکز و پیرامون در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا یاد کرده است. در چارچوب این روابط، تعدادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که در مرکز قرار گرفته‌اند به عنوان تنظیم‌کننده قاعده‌ها و تعداد بیشتر از کشورهای عضو به عنوان اجراکنندگان این قاعده‌ها تلقی می‌شوند. همچنین از منظر تامین بودجه اتحادیه اروپا، کشورهای مرکز تامین‌کنندگان خالص بودجه و کشورهای پیرامون دریافت

کنندگان خالص بودجه محسوب می‌شوند. علاوه بر این، در منطقه یورو نیز کشورهای مرکز به عنوان بستانکار و کشورهای پیرامون به عنوان بدهکار تلقی می‌شوند (Magone, Laffan, & Schweiger, 2016: 3). این بحث با شیوع بحران کرونا مجدداً ظهور کرده اما با این تفاوت که این بار اوراق قرضه یورو جای خود را به اوراق قرضه کرونا^۱ داده است. این بار نیز همان کشورهای موافق قبلی، موافق و مخالفان قبلی، مخالف بودند. در حالی که کشورهایی همچون ایتالیا و اسپانیا به عنوان کشورهای پیرامون و بدهکار دچار مشکلات اقتصادی، از اتحادیه اروپا درخواست انتشار اوراق قرضه کرونا کردند کشورهای ثروتمند شمال که قاعده‌ساز هستند به رهبری آلمان، هلند و سوئد با این امر مخالفت کردند و این درخواست کشورهای پیرامونی به شدت درگیر کرونا در این زمینه بی‌پاسخ ماند. حتی اندکی بعد که یک طرح مالی از سوی بانک مرکزی اروپا برای مقابله با پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بحران کرونا پیشنهاد شد، در فرایند تصویب آن، دو دستگی و اختلاف بین کشورها بسیار شدید بود. کشورهای مرکز به شدت بر تعیین شرایط سخت برای اعطای کمک‌ها به کشورهای نیازمند که با شدت بیشتری درگیر بحران بودند، تأکید داشتند. این رویارویی موجب شد که جلسه شورای وزیران مالی کشورهای عضو اتحادیه اروپا که روز چهارشنبه هشتم آوریل ۲۰۲۰ برای تصویب این طرح شروع شده بود به طور مستمر در طول شب به مدت ۱۶ ساعت ادامه پیدا کند و در نهایت روز پنجشنبه نهم آوریل در پی برخی وساطت‌ها که تصویب این طرح را به عنوان نشانه‌ای از همبستگی اروپا ضروری می‌دانستند، وزیر دارایی هلند تا حدودی از مواضع سختگیرانه خود کوتاه آمد و با اعطای کمک مالی با شرایط سهل‌تر به کشورهای نیازمند از جمله ایتالیا موافقت کند. اگرچه اتحادیه اروپا تلاش کرد تا تصویب طرح ۵۴۰ میلیارد یوروی اعطای کمک به کارگران، شرکت‌ها و کشورهایی که بیشتر از دیگران از بحران کرونا دچار مشکل شده‌اند را نشانه‌ای از همبستگی اروپایی به تصویر کشیده شود اما آثار منفی نوع نگرش کشورهای مرکز در اتحادیه اروپا به این موضوع در ذهنیت شهروندان کشورهای عضو و تاریخ همگرایی اروپا به عنوان یک امر منفی باقی خواهد ماند. به عنوان نمونه بر اساس گزارشی که بلومبرگ منتشر کرد برخی سیاستمداران ایتالیایی که از مخالفت کشورهای آلمان و هلند با انتشار اوراق قرضه کرونا عصبانی شده بودند، با انتشار آگهی یک صفحه‌ای در یک روزنامه آلمانی، هلند را به نداشتن

اخلاق و همبستگی متهم کردند و صریحا همبستگی اروپا با آنها به آلمانی‌ها را بعد از جنگ جهانی دوم یادآوری کردند یعنی زمانی که بدهی‌های آلمان در یک کنفرانس در سال ۱۹۵۳ بخشیده یا تجدید ساختار شد (Feffer, 2020, b).

بحران کرونا و محدودیت‌های اروپای بدون مرز

یکی از بزرگترین ضربات بحران کرونا بر همبستگی اروپایی از طریق خدشه‌دار کردن مفهوم اروپای بدون مرز در پی ایجاد محدودیت‌های مرزی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا پس از شیوع بیماری کووید-۱۹ است. اروپایی‌ها از گذشته‌های دور سعی داشته‌اند تا هویت مشترک اروپایی را بر اساس ارزش‌های موسوم به ارزش‌های اروپایی از طریق ایجاد اروپای بدون مرز بنا نهند اما در این مسیر وجود مرزهای سیاسی بین کشورهای اروپایی یکی از موانع بزرگ فراروی تحقق این ایده بوده است. پس از شروع روند همگرایی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری جامعه اقتصادی اروپا بر اساس پیمان پاریس در سال ۱۹۵۸، جایگزین شدن اتحادیه اروپا به جای جامعه اروپا بر اساس پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۳ و اجرای پیمان شنگن از سال ۱۹۹۵ چهار آزادی فرامرزی یعنی آزادی نقل انتقال کالا، آزادی نقل و انتقال خدمات، آزادی نقل و انتقال سرمایه و آزادی رفت و آمد آزاد افراد بین مرزهای کشورهای اروپایی در مسیر ایجاد اروپای بدون مرز به اجرا گذاشته شد. با شروع بحران کرونا این آزادهای شکل دهنده به اروپای بدون مرز به شدت خدشه‌دار شد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا که درگیر بحران شده بودند محدودیت‌های مرزی بر ورود و خروج شهروندان و کالاهای سایر کشورها اعمال کردند. این اقدام، اصل آزادی رفت و آمد شهروندان کشورهای عضو که طبق معاهده شنگن یکی از مهمترین گام‌ها در ایجاد اروپای بدون مرز و دارای همبستگی اعلام شده بود و در بحران مهاجران در سال‌های اخیر تحت تاثیر قرار گرفته بود را به نوعی بی‌اثر کرد. با شیوع بیماری کرونا آلمان به عنوان یکی از مهمترین کشورهای عضو اتحادیه اروپا به منظور جلوگیری از گسترش بیماری، کنترل‌های مرزی موقتی در مرزهای خود در فرانسه، سوئیس، اتریش، دانمارک و لوگزامبورگ اعمال کرد (Snape, 2020). علاوه بر آلمان، تعداد زیادی از دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز به طور یکجانبه مرزهای خود را بستند تا از گسترش ویروس در امان بمانند. این وضعیت، مباحث

مربوط به شکل‌گیری مفهوم "قلعه اروپا"^۱ یعنی مفهومی که به هیچ وجه بیانگر روح پروژه همگرایی و همبستگی اروپا نمی‌باشد، را دامن زده است (Toygür, 2020). در هر حال تلقی این است که بحران کرونا میخ‌آخر را بر تابوت رفت و آمد آزاد شهروندان بین کشورهای اروپایی و معاهده شنکن کوبیده است. بحران کنونی ناشی از بیماری کووید-۱۹ نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی حتی بعد از این بحران خواستار حفاظت‌های مرزی بیشتری خواهند بود. بعلاوه نه تنها تمایل چندانی برای ورود کشورهای جدید به معاهده شنکن وجود نخواهد داشت بلکه کشورهای عضو این معاهده نیز ممکن است به فکر خروج از آن بیفتند.

نمونه‌های ذکر شده از واکنش‌های مختلف شهروندان و دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در قبال نوع واکنش این اتحادیه به بحران کرونا و ویروس نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا به خاطر فقدان همبستگی در عملکردش در مدیریت بحران کرونا و به طور مشخص نبود هماهنگی در واکنش اقتصادی‌اش به این بحران مورد انتقاد قرار گرفت. تشدید احساس عدم همبستگی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مواجهه با بحران کرونا و ویروس موجب شد تا پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان در سخنرانی عید پاک خود در سال ۲۰۲۰ تصریح کند که «در بین بسیاری از مناطق جهان که درگیر بحران کرونا و ویروس شده‌اند من به طور خاص به اروپا فکر می‌کنم. بعد از جنگ جهانی دوم این قاره محبوب به یمن روحیه قوی همبستگی که او را بر غلبه بر رقابت‌های گذشته قادر می‌کرد، قادر به برخاستن مجدد بود. اکنون بویژه در شرایط کنونی بیش از هر وقت دیگر ضروری است تا جلوی قدرت گرفتن این رقابت‌های گرفته شود و به جای آن همه خود را بخشی از یک خانواده تلقی کنند و به همدیگر کمک نمایند. اجازه دهید که فرصت نشان دادن سند بیشتر برای همبستگی را از طریق پیدا کردن راه‌حل‌های ابتکاری، از دست ندهیم. تنها جایگزین همبستگی، منافع خاص خودخواهانه و وسوسه بازگشت به گذشته با هزینه وارد کردن خسارت شدید به همزیستی مسالمت‌آمیز و توسعه نسل‌های آینده است» (Giuffrida & Goni, 2020). فقدان همبستگی اروپایی تا حدی بوده که اورسولا فون درلاین^۲ رئیس کمیسیون اروپا روز ۲۶ مارس در نشست پارلمان اروپا در نحوه واکنش اتحادیه اروپا به شیوع بیماری کرونا از نبود این همبستگی بین کشورهای عضو

1. Fortress Europe
2. Ursula Von Der Leyen

اتحادیه در مواجهه با بحران شیوع بیماری کووید-۱۹ به شدت انتقاد کرده است. او گفته است «وقتی اروپا واقعا به این نیاز دارد که در کنار هم باشند، بسیاری از اعضا اساسا به خودشان نگاه می‌کنند. وقتی اروپا واقعا به روحیه «همه برای یکی» نیاز دارد، بسیاری اساسا پاسخ «فقط برای من» را می‌دهند ... هیچ عضو اتحادیه اروپا به تنهایی قادر به مدیریت این بحران نیست... تنها از طریق کمک به یکدیگر ما می‌توانیم به خودمان کمک کنیم» (Rios, 2020). با گذشت زمان از شروع بحران کووید-۱۹ پیامدهای مختلف آن هر روز آشکارتر می‌شود. اگر چه در روزهای این بحران وظیفه اصلی، نجات زندگی انسان‌ها بوده اما همزمان وظیفه نجات اتحادیه اروپا که در این بحران با چالش‌های زیادی مواجه شده نیز به عنوان یک وظیفه فراروی تصمیم‌گیران قرار گرفته است. آنها باید تضمین کنند که اتحادیه اروپا بتواند از این بحران با قدرت کافی برای رویارویی با چالش‌های داخلی و نیز حفظ قدرت خود در جهان رقابت با قدرت‌های بزرگ بیرون آید (Ischinger, 2020). این نشان می‌دهد که اگرچه عملکرد نامناسب اتحادیه اروپا در بحران کرونا ویرس انتقادهای شدیدی را در پی داشته و ایده همبستگی اروپایی این اتحادیه را در برابر آزمون بزرگی قرار داده اما از سوی دیگر نبود جایگزین‌های مناسب و ترس از بازگشت به گذشته خونین اروپا انگیزه‌هایی برای تقویت همگرایی را بیشتر کرده است. البته این مستلزم آن است که اتحادیه اروپا بتواند با درس گرفتن از این بحران همچون بحران‌های گذشته اصلاحاتی در فرایند حکمرانی خود ایجاد کند.

تحول در حکمرانی اتحادیه اروپا برای حفظ همبستگی

بحران کرونا یک بار دیگر کارکرد و موجودیت اتحادیه اروپا را مورد پرسش قرار داد. از آنجا که بحران کرونا با سلامت و حفظ جان شهروندان اروپایی به عنوان یک موضوع دارای فوریت ارتباط دارد، برخلاف بحران‌های قبلی، بلافاصله همبستگی اروپا را به عنوان روح حاکم بر همگرایی اروپا و چسب سیاسی که این همگرایی را حفظ می‌کند، مورد پرسش قرار داده است. با توجه به تاثیر منفی که بحران کرونا بر همبستگی اروپایی بر جا گذاشته این پرسش مطرح می‌شود که آینده همگرایی اروپا چه خواهد شد؟ تجربه نشان داده که اگر چه بحران‌های مختلف آثار منفی زیادی بر همگرایی اروپا بر جا گذاشته است اما به فروپاشی آن منجر نشده است. از ده سال گذشته تاکنون بحران‌هایی همچون بحران اقتصادی، بحران

مهاجران، حملات تروریستی، بحران برگزیت و اکنون بحران کرونا و ویروس، اتحادیه اروپا را فراگرفته و موجودیت «دستاوردهای مشترک» همچون منطقه یورو، منطقه شنگن و امنیت شهروندان اروپایی را به خطر انداخته است. در حالی که همه این بحران‌ها تردیدهایی در تاب‌آوری واقعیت‌های معنادار مشترک اروپایی یا عضویت این یا آن کشور ایجاد کرده‌اند، اما همگی آنها در نهایت به تقویت همگرایی اروپا البته با هزینه سیاسی بالا منجر شده است. در بحران کووید-۱۹ نیز مشاهده شده که واکنش کشورهای عضو به این بحران همچون واکنش آنها به بحران‌های قبلی از طریق ترکیبی از واکنش‌های احساسی ملی و سپس اقدامات همبستگی اتحادیه اروپا بوده است. اگرچه هنوز زود است که بتوان گفت این بحران موجودیت منطقه یورو و منطقه شنگن را به شکل کنونی تهدید نخواهد کرد اما عاقلاته این است که ظرفیت انطباق‌پذیری و همبستگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نهادهای این اتحادیه که تاکنون نشان داده شده، دست کم گرفته نشود. هرگاه حفظ این دستاوردهای معنادار همگرایی اروپایی در مواجهه با بازگشت به استقلال ملی پرهزینه قرار گرفته است، در نهایت تقویت همکاری و همبستگی اروپایی غالب شده است (Bertoncini, 2020: 10-11). البته تحقق این امر نیازمند اصلاحات در فرایندهای حکمرانی در اتحادیه اروپاست. شکنندگی همبستگی نیازمند فرایندهای تاب‌آور- ساز به منظور تقویت پایداری بلندمدت عدالت اجتماعی در اروپاست. در این زمینه، تقویت دمکراسی در فرایندهای تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در روابط داخلی و خارجی از نیازهای مهم برای غلبه بر مشکل نبود همبستگی است. بسیاری از این ویژگی‌ها نیازمند ایجاد رهیافت‌های خاص در تحقق تاب‌آوری و چندوجهی هستند. اتحادیه اروپا باید خود را در این جهت به افزایش همبستگی در مرزهای موجود قدرت و مسئولیت بین کشورهای عضو محدود کند. در این چارچوب کمک کشورهای قدرتمند به اقدامات فرامرزی برای رفع شکاف بین همبستگی‌های سیاسی و مکانی ضروری است (Ross, 2018). علاوه بر جنبه‌های حکمرانی و مسئولیت‌پذیری که در بحران کرونا به طور آشکار نشان داده شد، فقدان همبستگی بین کشورهای اروپایی در مقابله با بحران کرونا از جهاتی به عنوان یک مسئله ذهنی در فرایند همگرایی اروپا نیز تلقی می‌شود. لذا تردیدی نیست که اتحادیه اروپا به سمت اصلاح این ذهنیت در فرایندهای

تصمیم‌گیری‌های خود برای مقابله با بحران‌ها حرکت کند. همبستگی در زمان‌های بحران باید محور علت وجودی اتحادیه اروپا باشد. این تنها راهی است که می‌تواند مردم اروپا را متقاعد کند؛ این همگرایی طرحی برای آینده است و به آنها کمک می‌کند که متقاعد شوند اروپایی‌ها با هم قوی‌ترند. همگرایی تنها راه برای اتحادیه اروپاست که بتواند یک بازیگر جهانی باشد و از زبان قدرت سخن بگوید. اتحادیه اروپا باید یک گام به سمت کارکرد جهانی پیش برود. بحران جهانی کرونا در این زمینه به عنوان یک زنگ بیدارباش عمل خواهد کرد (Toygiir, 2020). اتحادیه اروپا در چارچوب ضرورت‌های لازم برای غلبه بر بحران همبستگی در این اتحادیه که موجودیت آن را هدف قرار داده و در بحران کرونا به شدت آشکار شد تلاش کرده تا بتواند از خود بحران کرونا به عنوان ابزاری برای مشکل همبستگی که این بحران بیشتر از قبل آن را آشکار کرده استفاده کند. اولین پیامد فوری بحران کرونا ویروس، بُعد بهداشتی و حفظ سلامتی شهروندان بود که همبستگی در خصوص حوادث طبیعی را تهدید کرد. بیماری همه‌گیر کرونا ویروس، اهمیت بهداشت عمومی در سطح اروپایی و از این طریق اهمیت یک سیاست بهداشت عمومی برای مقابله با بحران را آشکار کرد. در این چارچوب نیاز به تقویت تاب‌آوری و پایداری نظام‌های مراقبت‌های بهداشتی ضروری است. این بحران نشان داد که سلامتی یک دغدغه اصلی شهروندان اروپایی و عرصه‌ای است که اتحادیه اروپا باید صلاحیت‌ها و اختیارات خود را در آن افزایش دهد. سرمایه‌گذاری در بخش سلامت علاوه بر ایجاد بازدهی‌ها برای کل جامعه، به تاب‌آوری و پایداری اقتصادی کشورهای عضو کمک خواهد کرد و مسیر اصلاحات اقتصاد و جامعه را هموار خواهد نمود (Renda & Castro, 2020). اگر اتحادیه اروپا نتواند تهدیدات بنیانی علیه سلامتی شهروندان خود را مدیریت کند و یا اگر نتواند به اعضای خود که به تنهایی قادر به مقابله با چنین بحران‌هایی نیستند کمک کند، در نتیجه کمک کلی این اتحادیه به زندگی شهروندان کشورهای عضو زیر سؤال خواهد رفت. در این چارچوب اتحادیه اروپا باید دست به تغییراتی بزند. اتحادیه اروپا باید با تامین منابع لازم، ظرفیت انجام آزمایش‌ها برای بیماری‌ها - که البته شروع آن با بیماری کرونا ویروس خواهد بود- ایجاد کند و اطلاعات را بین کشورهای عضو به اشتراک بگذارد. دومین موضوع، ساخت یک برنامه مشترک اروپایی تهیه

واکسن‌ها و تجهیزات است و سوم اینکه کشورهای عضو در هنگام مواجهه با چنین بحران‌هایی باید به عنوان یک مجموعه مشترک اقدام کنند (Greer, 2020: 2-3). با وجود آنکه برخی خواستار آن هستند که بخش بهداشت، خارج از اختیار و صلاحیت اتحادیه اروپا قرار بگیرد، اما بحران گسترده‌ای همچون بحران کووید-۱۹ که سایر عرصه‌های سیاستگذاری اتحادیه اروپا همچون منطقه شنگن^۱، بازار واحد، نظم بودجه‌ای^۲، منطقه یورو^۳ و ساز و کار حفاظت مدنی^۴ را تحت تأثیر قرار داده، نشان داد که واگذار کردن این عرصه به سطح ملی مشکلات زیادی برای کنترل آن به وجود می‌آورد. در این زمینه در سطح اتحادیه، برنامه‌های مختلفی همچون ایجاد ساز و کارهای رصد و برنامه‌ریزی برای ارزیابی خطرات، توافق بر سیاست‌ها و ایجاد رویه‌های تصمیم‌گیری کارآمد، حمایت از صنایع راهبردی بویژه صنایع دارویی و پزشکی، ایجاد رهیافتی برای هماهنگی تحقیقات ملی در زمینه بیماری‌های همه‌گیر و تجدید نظر در رویه‌های همکاری کنسولی اتحادیه اروپا در سایر کشورها مطرح شده است (Pierini, 2020). همچنین کمبود تجهیزات پزشکی و دارو که از قبل به عنوان یک مشکل در اتحادیه اروپا وجود داشت در شرایط بحران کنونی آشکارتر و بحرانی‌تر شد. این وضع و مشکلات مربوط به تهیه و تیلاتورها، ماسک‌های حفاظتی و دارو شکاف‌های موجود را نشان داد و فرصت‌هایی برای اروپا به منظور موثرتر عمل کردن فراهم کرد. ذخایر راهبردی تجهیزات پزشکی اکنون برای مقابله با بحران و وضعیت اضطرار ایجاد شده است. این امر البته بعد از آنکه کشورهای عضو اقداماتی برای محدودیت صادرات تجهیزات پزشکی حیاتی را با رد کردن هرگونه همبستگی به اجرا گذاشتند، ظاهر شد (Renda & Castro, 2020: 7). اگرچه ابعاد بهداشتی و سلامتی بحران کروناویروس که با حفظ جان شهروندان ارتباط دارد از فوریت بیشتری برخوردار بود و بر همین اساس پرسش‌های بزرگی فراروی همبستگی اروپایی قرار داد اما ابعاد اقتصادی بحران از شدت و دیرپایی بیشتری برخوردار است که موجودیت اتحادیه اروپا را می‌تواند در بلندمدت هدف قرار دهد. اتحادیه اروپا با درک این موضوع اگرچه می‌داند که در کوتاه‌مدت امکان اصلاح معاهدات برای ایجاد تغییرات اساسی در این

1. The Schengen Area
2. Budgetary Discipline
3. The Eurozone
4. Civil Protection Mechanism

زمینه را ندارد اما سعی کرده تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود و نیز ایجاد انعطاف‌هایی در رویه‌ها و مقررات مالی و اقتصادی به سمت مدیریت بحران حرکت کند. اگرچه معیارهای ماستریخت، مقررات شدیدی در خصوص میزان کسری بودجه یا بدهی عمومی کشورهای عضو منطقه یورو تعیین کرده و پس از بحران مالی ۲۰۰۸، پیمان ثبات مالی^۱ اروپا بر اجرای شدید آن تاکید کرده اما پس از بحران کرونا اتحادیه اروپا سقف تعیین شده در این خصوص را برداشت تا دست کشورهای عضو در این خصوص بازتر باشد (Keiger, 2020). علاوه بر این، اتحادیه اروپا انعطاف‌هایی در خصوص ارتباطات فرامرزی بین کشورهای عضو را دست کم به صورت موقت پذیرفت و در پرتو بحران کرونا ویروس روز ۷ آوریل ۲۰۲۰ به طور رسمی، هفت اقدام مرتبط با تسهیل تجارت بین‌الملل را به سازمان جهانی تجارت اعلام کرد. با این وجود یکی از بزرگترین اقدامات اتحادیه اروپا بعد از شروع بحران کرونا تاکنون، تصویب برنامه کمک اقتصادی ۵۴۰ میلیارد یورویی برای کمک به کارگران، شرکت‌ها و دولت‌های عضو که بیشتر از همه تحت تاثیر بحران کرونا قرار گرفته‌اند، است که در ۹ آوریل ۲۰۲۰ به تصویب وزیران دارایی عضو اتحادیه رسید. تردیدی نیست که با فاصله گرفتن از فضای اولیه شیوع گسترده بیماری کرونا در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آرام شدن نسبی این فضا، سیاستگذاران کشورها در سطح ملی به دلایل مختلف بار دیگر به سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در سطح فراملی در نهادهای اتحادیه اروپا توجه بیشتری می‌نمایند و در سطح اتحادیه نیز سیاستگذاران و تصمیم‌سازان با درس گرفتن از بحران کرونا به اصلاحات لازم در فرایندهای حکمرانی اتحادیه اروپا اقدام خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های مقاله نشان داد که همبستگی یکی از پدیده‌های کلیدی در علوم اجتماعی است که به انتظار هنجاری کمک متقابل در بین اعضای گروه‌های بزرگ اشاره دارد. اعضای گروه باید خطرات و سختی‌ها را به منظور تضمین اهداف و انسجام گروه به عنوان یک کل به اشتراک بگذارند: یکی برای همه، همه برای یکی، بدون اینکه کسی جا بماند. مزیت همبستگی این است که برای اعضای یک گروه تضمین‌هایی در مقابل ریسک‌های بد فراهم

1. The European Stability Pact

می‌کند. ایده همبستگی اروپایی یکی از آرزوهای دیرپای کشورهای اروپایی بوده است. این همبستگی البته از نوع همبستگی سیاسی با ویژگی‌های خاص خود است. کل سیستم حقوقی اتحادیه اروپا از اولین روزهای شروع از اصل همبستگی الهام گرفته است. برخی از مفاد حقوق اولیه اتحادیه اروپا به طور مستقیم به این اصل اشاره دارد. در فرایند همگرایی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم، ایده همبستگی به عنوان روح حاکم بر این فرایند و به عنوان چسبی برای انسجام بخشیدن به آن تلقی شده است. بر این اساس در اسناد مختلف اتحادیه اروپا به موضوع همبستگی تصریح و ابزارهای مختلفی برای آن تعبیه شده است. شاخص‌های همبستگی اروپایی نیز در مواردی همچون همبستگی بودجه‌ای، همبستگی مالی، همبستگی اقتصادی و همبستگی در خصوص حوادث طبیعی و حملات تروریستی نمود یافته است. اگرچه در شرایط عادی، این همبستگی‌ها در مسیر معمول خود جاری هستند اما بحران‌های مختلف آنها را در برابر آزمون قرار می‌دهد. از آنجا که بحران کرونا با سلامت و حفظ جان شهروندان اروپایی، به عنوان یک موضوع دارای فوریت ارتباط دارد، برخلاف بحران‌های قبلی، بلافاصله همبستگی اروپا را به عنوان روح حاکم بر همگرایی اروپا و چسب سیاسی که این همگرایی را حفظ می‌کند، مورد پرسش قرار داده است. بحران کرونا همبستگی اروپایی را از جهات مختلف به چالش کشیده است. مواردی همچون ناامید کردن شهروندان اروپایی از وجود همبستگی و همیاری، تشدید گرایش‌های بومی‌گرایی، ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی که در جهت مخالف همبستگی اتحادیه اروپاست، تشدید شکاف شمال و جنوب در اروپا و تشدید اختلاف بین کشورهای جنوب که عمدتاً درگیر بحران بودند و کشورهای ثروتمند شمال، تشدید اختلاف بین کشورهای مرکز-پیرامون در اروپا و خدشه‌دار کردن ایده اروپای بدون مرز و معاهده شنکن در پی ایجاد محدودیت‌های مرزی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا پس از شیوع بیماری کووید-۱۹ از جمله پیامدهای مهم بحران کرونا بر فرایند همبستگی در اتحادیه اروپاست. پیامدهای مختلف بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بحران کرونا بر همبستگی و همگرایی اروپا، امری آشکار می‌باشد و بیانگر این است که اتحادیه اروپا در عصر پساکرونا با اتحادیه اروپای قبل از کرونا تفاوت‌هایی خواهد داشت، اما آنطور که ممکن است برخی تصور کنند این بحران با همه گستردگی آن، فروپاشی بلافاصله

اتحادیه اروپا را در پی نخواهد داشت. دلیل این امر هم آن است که بحران‌هایی همچون بحران اقتصادی، بحران مهاجران، حملات تروریستی و بحران برگزیت تجربیاتی برای ایجاد اصلاحات و تقویت حکمرانی در اتحادیه اروپا فراروی آن گذاشته که با توسل به آن می‌تواند تاب‌آوری خود را هر چند با هزینه سیاسی بالا افزایش دهد. فقدان همبستگی بین کشورهای اروپایی در مقابله با بحران کرونا که از جهاتی به عنوان یک مسئله ذهنی در فرایند همگرایی اروپا و به عنوان علت وجودی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود، تاثیر مهمی بر آینده روند همگرایی در این اتحادیه برجا گذاشته است. لذا اتحادیه اروپا با درک این واقعیت ناچار خواهد بود برای جلوگیری از تضعیف روند همگرایی به سمت ایجاد اصلاحاتی در روندهای حکمرانی و فرایندهای تصمیم‌گیری‌های خود بویژه برای مقابله با بحران‌ها و تقویت روحیه همبستگی بین کشورهای عضو و نیز شهروندان اروپایی حرکت کند.

منابع

- Bertoincini, Y, (2020), *European Solidarity in Times of Crisis: A Legacy to Develop in the Face of COVID-19*, Brussels: The Robert Schuman Foundation.
- Brehon, N. J, (2020), *The European Union and the Coronavirus*, Brussels: The Robert Schuman Foundation.
- Dempsey, J, (2020, 3 20), *The Coronavirus Pandemic Should End Europe's Comfort Zone*. Retrieved from <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/81352>.
- Feffer, J, (2020a, 3 25), *The Politics of the Coronavirus*, Retrieved 4 24, 2020, from <https://fpif.org>: <https://fpif.org/the-politics-of-the-coronavirus>.
- Feffer, J, (2020 b, 4 8), *Will the EU Survive the Coronavirus?* Retrieved 4 24, 2020, from fpif.org/will-the-eu: <https://fpif.org/will-the-eu-survive-the-coronavirus>.
- Ferrera, M., & Burelli, C, (2019), "Cross-national Solidarity and Political Sustainability in the EU after the Crisis", *Journal of Common Market Studies*, Vol. 57, No.1.
- Genschel, P., & Hemerijck, A, (2018), *Solidarity in Europe*, Fiesole: European University Institute.
- Gerhards, J., & al, e, (2018), *How Strong is European Solidarity?*, *BSSE Working Paper*, Berlin: Freie Universität Berlin, No. 37.
- Gerrits, A. W, (2015), *Solidarity and the European Union: From the Welfare State to the Euro Crisis*, n.p: Leiden University.
- Giuffrida, A., & Goni, U, (2020, 4 12), *Pope Urges EU to Show Solidarity Amid Coronavirus Crisis in Easter Message*, Retrieved 416, 2020, from <https://www.theguardian.com/world/2020/apr/12/pope-francis-urges-eu-to-show-solidarity-amid-coronavirus-crisis-in-easter-message>.
- Greer, S. L, (2020, 4 6), *How Did the E.U. Get the Coronavirus So Wrong?* Retrieved 4 8, 2020, from <https://www.nytimes.com>: <https://www.nytimes.com/2020/04/06/opinion/europe-coronavirus.html>.
- Gridneff, M. S, (2020, 4 9), *E.U. Backs Half-Trillion Euro Stimulus, but Balks at Pooling Debt*, Retrieved 4 15, 2020, from

<https://www.nytimes.com>: <https://www.nytimes.com/2020/04/09/world/europe/coronavirus-european-union-bailout.html>.

- Hilpold, P, (2015), "Understanding Solidarity within EU Law: An Analysis of the 'Islands of Solidarity' with Particular Regard to Monetary Union", *Yearbook of European Law*, Vol.34, No. 1.

- Ischinger, W, (2020, 4 2), *Coronavirus Crisis: For Europe, it's a Question of Survival*, Retrieved from [https:// securityconference. org/ en/ news/ full/ coronavirus-crisis-for-europe-its-a-question-of-survival](https://securityconference.org/en/news/full/coronavirus-crisis-for-europe-its-a-question-of-survival).

- Jenkins, S, (2020, 4 10), *The Coronavirus Crisis has Exposed the Truth about the EU: It's not a Real Union*, Retrieved 4 17, 2020, from <https://www.theguardian.com/commentisfree/2020/apr/10/coronavirus-crisis-truth-eu-union-financial-rescue>.

- Johnson, M, Fleming, S., & Chazan, G, (2020, 4 6), *Coronavirus: Is Europe Losing Italy?* Retrieved 4 16, 2020, from <https://www.ft.com>: <https://www.ft.com/content/f21cf708-759e-11ea-ad98-044200cb277f>.

- Karabag, S. F, (2020), "An Unprecedented Global Crisis! The Global, Regional, National, Political, Economic and Commercial Impact of the Coronavirus Pandemic", *Journal of Applied Economics and Business Research*, Vol. 10, No.1.

- Keiger, J, (2020, 3 22), *Coronavirus Means the EU Will Never be the same again*, Retrieved 4 8, 2020, from <https://www.spectator.co.uk>: <https://www.spectator.co.uk/article/Coronavirus-means-the-EU-will-never-be-the-same-again>.

- Koos, S, (2019), "Crises and the Reconfiguration of Solidarities in Europe – origins, Scope, Variations", *European Societies*, Vol. 21, No. 5.

- Lahusen, C., & Grasso, M. T, (2018), *Solidarity in Europe Citizens' Responses in Times of Crisis: Citizens' Responses in Times of Crisis*, Cham: Palgrave Macmillan.

- Laitinen, A., & Pessi, A. L, (2014), *Solidarity: Theory and Practice*, An Introduction, In A. Laitinen, & A. L. Pessi, *Solidarity: Theory and Practice*, Lexington Books.

- Magone, J. M., Laffan, B., & Schweiger, C, (2016), *Core-periphery Relations in the European Union: Power and Conflict in a Dualist Political Economy*, New York: Routledge.

- Pierini, M, (2020, 3 24), *The EU Needs a More Comprehensive Vision to Tackle Pandemics*, Retrieved 4 17, 2020, from [https://carnegieeurope.eu/2020/03/24/eu-needs-more-comprehensive-vision-to-tackle-pandemics-pub](https://carnegieeurope.eu/https://carnegieeurope.eu/2020/03/24/eu-needs-more-comprehensive-vision-to-tackle-pandemics-pub).
- Renda, A., & Castro, R. J, (2020), “Towards Stronger EU Governance of Health Threats after the COVID-19 Pandemic”, *European Journal of Risk Regulation*.
- Rios, B, (2020, 4 7), <https://www.euractiv.com>. Retrieved 4 17, 2020, from Commission chief, MEPs slam lack of EU solidarity in COVID19 crisis : <https://www.euractiv.com/section/coronavirus/news/commission-chief-meps-slam-lack-of-eu-solidarity-in-covid19-crisis>.
- Ross, M, (2018), *Solidarity in Europe – Alive and Active*. Brussels: European Commission Directorate-General for Research and Innovation.
- Russack, S, (2020), *EU Crisis Response in Tackling Covid-19 Views from the Member States*, Brussels: European Policy Institutes Network.
- Scazzieri, L, (2020). *Trouble for the EU is Brewing in Coronavirus-hit Italy*, Brussel: Centre for European Reform.
- Scholz, S. J, (2008), *Political Solidarity*, Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press.
- Schultheis, E, (2020, 4 14), *The Coronavirus Has Paralyzed Europe’s Far-Right*. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2020/04/14/coronavirus-has-paralyzed-europes-far-right>.
- Snape, M, (2020, 3 17), *The Impact of Covid-19 on Europe*, Retrieved 4 8, 2020, from <https://www.insideover.com>: <https://www.insideover.com/politics/how-the-coronavirus-threatens-the-eus-founding-principles.html>.
- Taylor, A. K., & Nietzsche, C, (2020, 4 16), *The Coronavirus Is Exposing Populists’ Hollow Politics*. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2020/04/16/coronavirus-populism-extremism-europe-league-italy>.
- Toygür, I, (2020, 3 20), *The EU, Coronavirus and Crisis Management: is ‘solidarity’ Real or Just a Prop?* Retrieved 4 8, 2020, from <http://www.realinstitutoelcano.org>: http://www.realinstitutoelcano.org/wps/portal/rielcano_en/contenido?WCM_GLOBAL_CONTEXT=/elcano/elcano_in/zonas_in/commentary-toygur-eu-coronavirus-and-crisis-

management-is-solidarity-real-or-just-a-prop.

- Wallaschek, S. (2019), "The Discursive Appeal to Solidarity and Partisan Journalism in Europe's Migration Crisis", *Social Inclusion*, Vol. 7, No. 2.

